

نامه به سردبیر

علم پزشکی دارای سیر تاریخی مشخصی است که پرداختن به آن یکی از ضرورت‌های اساسی است. پزشکی بدوی حالت جادویی و یا مذهبی داشت، در حالی که پزشکی نوین تحت تأثیر یک‌سری گرایش‌ها جنبه منطقی پیدا کرده و روابط خود را با جنبه‌های جادویی و غیرعقلانی گسسته و بیش از پیش متکی بر علمی مانند شیمی و فیزیک گردیده است که در زمان ما در حال گسترش سریع هستند. در قرن بیستم پزشکی از نظر تخصصی رشد سریع یافت و دارای سازمان پیچیده‌ای گشت. در این دوره شاهد پیدایش مراکز متعدد بیمارستانی، رشد فعالیت‌های تحقیقاتی در پزشکی و روند تخصصی شدن پزشکی به شکل گروهی هستیم. پزشک خانواده که به شکل خصوصی کار می‌کرد جای خود را به نوعی سازمان اداری داده است. در کشورهای توسعه یافته پزشک عمومی محله و درمانگاه تبدیل به کلینیک‌های تخصصی سیستم‌های بیمه همگانی و بسیاری صور دیگر شده و توزیع خدمات و مراقبت‌های پزشکی جنبه خصوصی خود را از دست داده است. این پیشرفت‌ها در قلمرو پزشکی تغییر شکل نحوه انجام فعالیت‌های پزشکی را پایه‌ریزی کرد. پیدایش پزشکی جدید تحول به سوی پزشکی شدن است؛ یعنی بیماری مستلزم تماس با پزشکی است. امروزه پزشکی به یک حرفه تبدیل شده و جامعه‌شناسان در این پایگاه فرایندی را که مشخصه تحول جوامع مدرن است می‌بینند. در دوره جدید وجوه اجتماعی پزشکی نیز مورد توجه جدی قرار گرفت. مدت‌ها پیش از پیدایش جامعه‌شناسی پزشکی، مردم‌شناسان و جمعیت‌شناسان به مسایل اجتماعی پزشکی توجه ویژه‌ای داشتند. مسایلی از قبیل مرگ و میر و

از آن هنگام که بیماری از دست پزشک خارج و به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل گشت و سلامتی مهم‌تر از بیماری جلوه کرد و به پیشگیری نیاز پیدا نمود به موضوعی برای علوم اجتماعی بدل شد و جامعه‌شناسی بیماری و پزشکی و سلامتی رخ نمود. با وجود اینکه سلامتی هیچ‌گاه از اهمیت نیازهای دیگر انسان کمتر نبوده، اما هرگز مانند امروز به یک موضوع اجتماعی همه‌گیر تبدیل نشده است. از این‌رو پزشکی زمان ما از حالت زیستی و حتی فنی و علمی ساده بیرون آمده و به صورت مسأله اجتماعی سیاسی تمام‌عیار درآمده است.

قبل از پیدایش جامعه‌شناسی پزشکی و ورود جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی به مباحث مربوط به سلامتی و بیماری و بهداشت، در دوران قدیم، صاحب‌نظران از حوزه‌های مختلف، از قبیل مصلحین اجتماعی، سیاسیون، مورخین، رهبران دینی، اقتصاددانان و اداره‌کنندگان مسائل اجتماعی بهداشتی - پزشکی را مورد بررسی قرار داده، اظهارنظر نموده و راه حل ارائه می‌کردند. تحقیق در تأثیر بیماری‌ها بر گروه‌های انسانی و نحوه دفاع در مقابل آن موضوع جالب توجهی برای اخلاق زیستی اجتماعی است. توزیع بیماری‌ها در میان انسان‌ها متفاوت بوده و شناخت و آگاهی نسبت به بیماری در چارچوب الگوهای فرهنگی صورت می‌گیرد. به دلیل مداخله عوامل و شرایط اجتماعی در مسیر و جریان درمان، علوم اجتماعی با پزشکی و بهداشت و درمان مشارکت می‌یابد. تأثیر و تأثرات بین جامعه و پدیده‌های اجتماعی از یک طرف، و مسایل پزشکی و بهداشتی از طرف دیگر دربرگیرنده جهات مختلفی است؛ از جمله عوامل و پارامترهای اجتماعی مؤثر در ایجاد و شیوع بیماری‌ها، عوامل و فاکتورهای اجتماعی مؤثر در شناخت و درمان بیماری‌ها و تأثیرات اجتماعی ناشی از بیماری‌ها و درمان آن‌ها. اخلاق زیستی اجتماعی در جستجوی تعادلی میان این تأثیر و تأثرات است.

نگارنده این سطور بر این اعتقاد است که معبر گذار از پزشکی به اخلاق از طریق جامعه‌شناسی است و در این رهگذر جامعه‌شناسی پزشکی رسالت این تعامل را برعهده دارد.

ویژه‌نامه حاضر با همین محوریت و اولویت در اختیار خوانندگان گرامی قرار گرفته است. انتشار این شماره از فصلنامه فرصتی را به‌وجود آورد تا با زیرشاخه‌ای پرمخاطب در حوزه اخلاق زیستی آشنا شویم. رجاء واثق دارد این شماره از مجله با انتشار ویژه‌نامه اخلاق زیستی اجتماعی گامی هرچند اندک در راه تداوم و گسترش این حوزه از اخلاق زیستی در ایران برداشته باشد.

محمود عباسی

عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی پزشکی
و رییس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی

